

اختلاس در وزارت معارف

" . . افرادی هفتاد ملیون دالر رشوه، در بدل امضای توافقنامه استخباراتی، از مقامات پاکستانی دریافت کرده اند." وقتی خبرنگار رادیو آزادی جویای نام آن افراد گردید، آقای فاروق وردک در جواب گفت که: "همه مرمی ها را نباید به یکبار مصرف کرد، مقداری را باید ذخیره کرد."



از حدود دوهفته به اینسو، موضوع وجود فساد و اختلاس دروزارت معارف در زمان وزارت آقای فاروق وردک، بازتاب گسترده یی یافته است. "سیگار" یا اداره تفتیش کمک های ایالات متحده در افغانستان، نیزگزارشی را به نشر رسانیده که نشان از تأیید موضوع دارد.

گزارش ها حاکی اند که به نام صدها مکتب و مدرسه های خیالی، جعلی که در واقع وجود ندارند، پول های بسیاری پرداخته شده است. این که چه مقدار پول دیگر صرف ساختمان آن مکاتب خیالی گردیده و چه مقداری به کتاب و دیگر لوازم درسی آن اختصاص داده شده، تنها همان کسانی می دانند که این پول ها را اختلاس کرده اند.

اخیراً" دکتر عبدالله رئیس اجرائیه دولت، در بیانیه‌ی از به میراث ماندن دولت آقای کرزی با انبوهی از فساد متذکر شد. آگاهی داریم که پیشتر نیز آقای حامد کرزی وجود فسادگسترده در ادارات دولتی را می پذیرفت. قبول این موضوع از جانب سران حکومت پیشین و کنونی و عدم تذکر نام مفسدین و چپاولگران، موضوع دیگری را به یادم آورد که نخست آن را می آورم و بعد بر می گردم به اصل موضوع:

می دانیم که در طی چهارده سال حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، یک ونیم ملیون شهید دادیم. درینجا کاری به موثق بودن این ارقام نداریم، اما اگر نیم این ارقام را هم بپذیریم سوالی مطرح می شود که این تعداد شهید توسط چه کسانی به قتل رسیدند. زیرا هیچ کسی از مسئولین آن حزب این مسئولیت را نمی پذیرند و بعضی از آنها که سمت های مهمی نیز داشتند، می گویند که با مسایل امنیتی و نظامی سروکار نداشته اند!! عده‌ی از آنان آن را مسئولیت فردی افراد می دانند و از قبول مسئولیت جمعی شانه خالی می کنند. از طرفی هم از مسببین آن جنایات نام نمی برند. اما، قدر مسلم این است که جنایت صورت گرفته و گروه های بزرگی از مردم به قتل رسیده اند، اما قاتلین معلوم نیستند!

وقتی قتلی صورت می گیرد، نه تنها باید قاتلی وجود داشته باشد، بلکه باید مجرم هم به پای میز محاکمه کشانیده شود؛ و وقتی فسادی صورت می گیرد، هم نه تنها باید مفسدی فسادزا آن عمل شنیع را انجام داده باشد، بلکه هم باید دادگاهی شود.

اما در کشور ما قانون وارونه عمل می کند.

در دوره حکومت آقای کرزی و هم در "حکومت وحدت ملی" از فساد گسترده سخن زده می شود، ولی با چشم پوشی از مفسدین. معلوم نمی شود که آن ها چه کسانی اند. نه تنها فساد به فرهنگ مبدل گردیده؛ بلکه فرهنگ معافیت از آن نیز چنان دامنگیر مقامات گردیده که هیچ مفسدی محاکمه نگردیده است و یا با مصلحت های گوناگون ضرورت دیده نشده تا به محاکمه کشانیده شوند. واگر نمونه کابل بانک را داریم، شاید یکی از همان مزخرف ترین ها باشد.

ترفند مفسدین

وقتی که مشت فساد پیشه گان باز می شود، تهدید به افشاگری دیگران می کنند و از طرف حق السکوت مطالبه می نمایند؛ و یا این که سعی می کنند خیانت شان را در افشای خیانت دیگران و یا خیانت های بزرگتر از آنچه خود کرده اند بیوشانند. چند سال پیش عمر زاخیلوال که اکنون مشاوریت آقای اشرف غنی را دارد، هنگام باز شدن دست اش که اختلاس کرده است، گفت که باز ما هم اطلاعاتی را افشا می کنیم. آن دیگران که شبکه های مافیای حکومت کرزی بودند، مانند سپری در پیش روی وزیر مالیه وقت قرار گرفتند.

آقای فاروق وردک نیز چنین ترفندی را به کار بست. وی در مصاحبه با رادیو آزادی که می خواست به تهدید متوسل شود تا شبکه دزدان به دفاع او بپردازند، پرده از رازدیگری برداشت و ادعا کرد که افرادی هفتاد ملیون دالر رشوه، در بدل امضای توافقنامه استخباراتی، از مقامات پاکستانی دریافت کرده اند. وقتی خبرنگار رادیو آزادی جویای نام آن افراد گردید، آقای فاروق وردک در جواب گفت که: "همه مرمی ها را نباید به یکبار مصرف کرد، مقداری را باید ذخیره کرد." با اندکی دقت درین گفته آقای فاروق وردک درمی یابیم که نامبرده قصد گرفتن حق السکوت از دریافت کنندگان هفتاد ملیون دالر را دارد و به آن ها هشدار می دهد که هرگاه اسناد فساد ایشان را رو کنند، او هم مرمی های بعدی را مصرف خواهد کرد و از آن افراد نام خواهد برد.

این چوروچپاول و دست بردن به شاهرگهای اقتصادکشور، حیف و میل کمک های خارج، تبنانی وزدوبند باخارجی های حامی، درحالی است که بدبختی های گوناگون دامنگیزکشور ما است و از جمله به شدت از بیسوادی و کمبود مکتب رنج می برد.

و کیست نداند که بیسوادی و بیکاری زمینه های سربازگیری برای تروریست ها را مهیا می سازد. بنابراین هیولای فساد و اختلاس در معارف، آب به آسیاب تروریستان ریختن است و آن مفسدین به جای خدمت به معارف و اولاد وطن به تروریسم و گروه های تروریست خدمت کرده اند.

گزارشات و تصاویر منتشر شده در رسانه ها گویای آن است که بعضی مکاتب سقف ندارند و اگر سقف دارند از میز و چوکی خبری نیست و در همان حالت نیز اطفال معصوم با شکم گرسنه و نیمه گرسنه و لباس ژنده روی خاک می نشینند؛ و فساد پیشه گان به فکرچاق کردن حساب های بانکی و خریدن جایداد در دوبی و دیگر کشورها هستند.

دامن فساد گسترده تر است

هنوز موضوع فساد دروزارت معارف سرخط اخبار را می ساخت که گزارش دیگری از همان اداره بازرسی کمک های ایالات متحده را در مورد وجود مراکز خیالی بهداشت خواندم. در آن گزارش تذکر رفته که از جمله 510 مرکز بهداشتی 90 مرکز آن وجود خارجی ندارد و حتی سیزده مرکز آن در افغانستان نیست که یکی از آن ها در شرق میانه، شش مرکز در پاکستان و شش مرکز دیگر در تاجکستان موقعیت دارد.

وقتی این اخبار را پهلوی هم قرار بدهیم، نتیجه این است که مردم و سرنوشت کشور به وسیله باندهای مافیایی و تبهکار پر قدرتی به گروگان گرفته شده که هیچ کدام شان نمی خواهند و نمی توانند یکی دیگری را حذف نمایند و یا پای میز محاکمه بکشانند؛ زیرا در آن صورت سرنوشت مشابهی در انتظار خودشان نیز خواهد بود. اما تاوان آن هرروز و هر ساعت و در تمامی ساحات زندگی بر مردم بیچاره ما تحمیل می گردد.

محال است که مفسدی بیاید و به فساد خویش اعتراف نماید؛ و از دستگاه قضایی کشور نیز بعید از انتظار است که آن مفسدین را به دادگاه بکشاند. هرگاه آگاهان و دلسوزان کشور و مردم دست به کار نشوند و راه علاجی در پیش گرفته نشود، عواقب به مراتب بد و بدتر و جبران ناپذیری را باید بر تمامی ساختار های جامعه و پیکر کشور انتظار داشت.